

بررسی عوامل موثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در استان خراسان شمالی

دکتر مجید کفاشی* عنایت اسلامی**

چکیده: این مقاله حاصل یک کار پژوهشی با عنوان بررسی عوامل موثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان است و از رهیافت های عمده و نظریه های جامعه شناسی و آسیب شناختی اجتماعی از جمله انتقال فرهنگی و تفاوت ارتباطات، یادگیری اجتماعی، خرده فرهنگی، بی هنجاری، کنش متقابل، برچسب زنی، پیوند اجتماعی، و نظریه کنترل اجتماعی برای این مسئله و معضل اجتماعی مهم استفاده شده است. هدف مقاله شناخت راهکارهای کاهش تکرار جرم و بازگشت مجدد زندانیان آزاد شده به زندان است.

مسئله اساسی تحقیق این است که چه عواملی در تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان مؤثرند. این تحقیق علی و به شیوه پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته توام با مصاحبه انجام گرفته است. جامعه آماری آن کلیه زندانیان زندانهای خراسان شمالی در سال ۱۳۸۶ است که تعدادشان ۱۵۲۷ نفر بوده است. نمونه آماری ۶۰۰ نفر از زندانیان سابقه دار و حجم نمونه ۲۰۰ نفر است که به صورت نمونه گیری تصادفی طبقه بندی شده انتخاب شده اند. اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی و آزمونهای پیرسون، اسپیرمن و کایسکوئر (کی ۲) و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

براساس نتایج این پژوهش می توان برای پیشگیری و کاهش تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد آزاد شده به زندان، با اجرای اصولی و استاندارد تفکیک و طبقه بندی زندانیان در زندانها، بهبود وضعیت اسکان و نگهداری و نوع خدمات دهی موثر به آنها، حذف برچسب رسمی و غیر رسمی از زندانیان آزاد شده، عرضه خدمات موثر و کنترل از طریق مرکز مراقبت بعد از خروج، پذیرش زندانیان آزاد شده در میان خانواده، دوستان و نهادهای رسمی و غیر رسمی و جلوگیری از طرد آنان اقدام موثری انجام داد.

کلید واژه ها: زندان، جرم، مجرم، تکرار جرم، جامعه پذیری، مراقبت بعد از خروج

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

مقدمه

هرجا قانون وجود دارد جرم نیز هست. زیرا ساده ترین تعریف جرم عبارت است از شیوه رفتاری که قانون را نقض کند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۵۲). تارد، جرم را تجاوز به حق و وظیفه می داند. جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی، مخالفت با آداب و سنن اجتماعی را جرم تلقی می‌کنند (به نقل از ماهنامه اصلاح و تربیت، ۱۳۸۷: ۵).

زندانبان: محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقامات صلاحیت‌دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم با هدف تحمل کیفر، حرفه آموزی، بازپروری و بازسازی نگره داری می‌شوند (آئین نامه اجرائی سازمان زندانبانها، ۱۳۸۴: ۱). این مسئله که هدف از حبس و زندانی نمودن مجرم چیست نیاز به بررسی دارد. آیا زندانبان باید فقط برای تنبیه کردن مجرم به کار رود تا افرادی که در زندانبان به سر می‌برند پس از آزادی مرتکب جرم نشوند، یا هدف آن اصلاح و بازپروری و باز اجتماعی کردن مجرم است؟ یا به عبارت دیگر هدف این است که افراد زندانبانی در مدتی که در زندانبان هستند اصلاح شوند، و درک کنند که ارتکاب جرم، عملی اشتباه بوده است، و نیز مهارتهایی به آنها آموخته شود تا پس از آزادی یک زندگی توأم با احترام به قانون را برگزینند و مرتکب جرم مجدد نشوند؟ وانگهی وظیفه جامعه در قبال افرادی که از زندانبان آزاد می‌شوند چیست؟

در اکثر مواقع افرادی که مرتکب بزهکاری و جرم می‌شوند، از حیث کار، تحصیل، تشکیل خانواده و ... فرصت‌های جبران‌ناپذیری را از دست می‌دهند. وجود چنین سابقه نامطلوبی در زندگی آینده آنها تأثیر زیادی دارد. این قبیل افراد معمولاً از طرف جامعه، خانواده، دوستان، نهادهای رسمی و غیر رسمی و ... طرد می‌شوند، و امکان بازگشت آنها به عنوان یک فرد عادی به جامعه با مشکلات عدیده ای مواجه است.

مطالعات و تحقیقات نشان می‌دهد که خود زندانبان، برای بسیاری از زندانبانان به دلیل تجربیات منفی که از محیط زندانبان کسب می‌کنند، بسیار مخرب و ناامید کننده است. زیرا کافی نبودن اقدامات اصلاحی و بازپروری زندانبانان به معنای آن است، که آنها به هنگام ترک زندانبان در مقایسه با زمان ورودشان آمادگی بیشتری برای ارتکاب مجدد جرم دارند (حاتمی‌خواجه، ۱۳۸۶، ص ۹۵). جامعه بین‌الملل به ویژه جوامع پیشرفته به این نتیجه رسیده اند که زندانبان نمی‌تواند در کاهش جرم و بزهکاری نقش تعیین کننده ای داشته باشد. بارها اعلام شده که در عمل، زندانبان به مدرسه آموزش جرم تبدیل شده است (آشوری، ۱۳۸۲: ۴۵).

در پژوهش حاضر محقق به بررسی این سؤالات می پردازد: عوامل مؤثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان کدامند؟ آیا حبس اول بر جرایم بعدی زندانیان تأثیرگذار است؟ آیا زندان و عوامل محیطی آن بر تکرار جرم و بازگشت مجدد فرد تأثیرگذارند؟ آیا برچسب انحراف بر تکرار جرم و بازگشت مجدد فرد به زندان تأثیرگذار است؟ آیا میزان خدمات مرکز مراقبت بعد از خروج بر تکرار جرم و بازگشت مجدد فرد به زندان تأثیرگذار است؟ آیا نوع جامعه پذیری (در جامعه و خانواده) بر تکرار جرم و بازگشت مجدد فرد به زندان تأثیرگذار است؟ آیا عوامل فردی بر تکرار جرم و بازگشت مجدد فرد به زندان تأثیرگذار است؟

بنابراین مهم ترین اهداف این تحقیق عبارت اند از:

- شناخت عوامل مؤثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد به زندان.
- شناخت موقعیت‌های پذیرش و عدم پذیرش در محیط‌های مختلف اجتماعی و خانوادگی بعد از آزادی از زندان.
- شناخت موقعیت‌ها و شرایطی که زمینه بازگشت مجدد زندانیان به زندان را فراهم می کند.
- ترسیم دیاگرام مدل علمی- تحلیلی برای تبیین عوامل مؤثر در تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان.

چهارچوب نظری

در اجرای این تحقیق نظریه های ذیل مورد بررسی قرار گرفته اند:

نظریه تفاوت ارتباطات و انتقال فرهنگی: از نظر ساترلند در جامعه ای که دارای خرده فرهنگ‌های گوناگون است، برخی از محیط‌های اجتماعی معمولاً مشوق فعالیت‌های غیرقانونی هستند، در صورتی که محیط‌های دیگر چنین نیستند. افراد در اثر ایجاد ارتباط با کسانی که حامل هنجارهای تبهکارانه هستند، بزهکار یا تبهکار می شوند. به نظر ساترلند، اکثر رفتارهای تبهکارانه در درون گروه‌های نخستین، به ویژه گروه‌های همالان فرا گرفته می شود (گیدنز، ص ۱۵۹). همچنین ساترلند در نظریه انتقال فرهنگی به این نتیجه گیری جالب می رسد که رفتاری که در یک فرهنگ انحراف تلقی می شود، ممکن است در فرهنگ دیگر عملاً هم‌نواپی تلقی شود، مانند ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به افراد ناباب، داش‌های محله، شرخرهایی که می‌توانند عملاً نوجوانان را درگیر قانون سازند. این نظریه هم چنین روشن می‌کند که چرا بسیاری از بزهکاران، معتادان و سایر منحرفان بعد از رهایی یا معالجه دوباره به وضع قبلی

برگشت می کنند، یعنی مجدداً به شبکه روابط اجتماعی خود با معاشران منحرف بر می گردند (شمس، ۱۳۸۳: ۱۶).

نظریه بی هنجاری مرتن: یکی از نظریه های مطرح در بررسی مسائل جامعه زندان، نظریه بی هنجاری است. مرتن می گوید، هنگامی که فرد دچار حالت بی هنجاری می شود، وابستگی و احساس تعلق به گروه را از دست می دهد. هنجارهای گروهی را به عنوان سرمشق نمی پذیرد. از آنها می گریزد و برای مدتی در بی هنجاری، یا به تعبیر دورکیم کژهنجاری، به سر می برد. زیرا هنجار مطلوبی نمی یابد تا جانشین هنجارهای پیشین سازد. البته تمام هنجارها را از دست نمی دهد، اما خود را کنار می کشد و کمتر خود را با دیگران هم نوا و همسان می یابد (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۷۳).

نظریه خرده فرهنگی کوهن، کلوارد و اوهلین: این نظریه بر بزهکاری جوانان متمرکز است و در یک تحلیل جامعه شناختی، بزهکاری جوانان را برحسب ویژگی های خرده فرهنگی آنها، مانند ارزشها، باورها، زبان، عادات و شیوه های زندگی مورد بررسی قرار می دهد (احمدی، ۱۳۷۷: ۷۸).

نظریه یادگیری اجتماعی بندورا و ساترلند: براساس نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، رفتار انحرافی آموختنی است و در فرآیند ارتباط بادیگران به خصوص در گروه های کوچک آموخته می شود. در فرآیند یادگیری، معاشران فرد قواعد حقوقی را به عنوان امور مناسب یا نامناسب تعریف می کنند و فرد این تعاریف را از آنان فرا می گیرد، و چون در معرض تعاریفی قرار می گیرد که قانون شکنی را بر احترام به قانون ترجیح می دهد، بزهکار یا جنایت کار می شود (راهب، ۱۳۸۶: ۱۱۴).

نظریه کنش متقابل اجتماعی: از نظر پارسونز، کنش چیزی جز کوشش برای تطبیق با هنجارها نیست. یکی از ویژگی های واحد کنشی پارسونز این است که گرایش فرد را به تلفیق علایق فردی خود با ساختارهای کلان اجتماعی نشان می دهد (ریترز، ۱۳۸۵: ۵۳۰). پارسونز کجروی را ناشی از همبستگی ناقص میان حرکت اجتماعی جامعه و حرکت فردی انسان های سازنده جامعه می داند و زندان و زندانی شدن عاملی است که فرد را از حرکت اجتماعی باز می دارد. شکاف میان رشد و تغییرات بهینه جامعه و فرد زندانی عاملی است که بازدارنده حرکت و تغییر مثبت در فرد است، به گونه ای که زندانی پس از آزادی، با روند تغییرات جامعه بیگانه

شده است و به مهارت‌های لازم برای کار و پیشرفت اجتماعی مجهز نیست (راهب، ۱۳۸۶: ۱۱۳).

نظریه برچسب زنی هوارد بکر: این نظریه در واقع صورتی از نظریه کنش متقابل (میان کجروان و ناکجروان) است. معتقدان برچسب زنی در تعریف اینکه چه رفتاری ناپه‌نجان است، از دو ایده اصلی مطرح در کنش متقابل نمادین بهره گرفته اند: (بکر ۱۹۷۳)

(۱) متقابل بودن کنش، (۲) نمادین بودن کنش: کنش متقابل در بین اشخاص به اصطلاح کج رفتار و هم‌نوا تحت تأثیر معنایی است که آنها به کنش‌های یکدیگر می‌دهند. این معناها همان نمادها یعنی، تفسیرها، تعریف‌ها یا انگ‌هایی است که مردم به یک کنش می‌دهند و از خود کنش مهم‌ترند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۵۷).

نظریه پیوند اجتماعی: هیرشی علت هم‌نوائی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی آنها دانسته است. وی چهار جزء اصلی پیوند شخص با جامعه را که مانع کج رفتاری می‌شوند بدین شرح توضیح داده است:

تعلق خاطر افراد به جامعه، "تعهد" آنان به امور متداول زندگی روزمره، هم‌نوائی با هنجارهای اجتماعی "درگیر شدن" آنها در فعالیت‌های مختلف زندگی "اعتقاد" به نظام هنجارهای جامعه از یک سو فرد را به هم‌نوائی با هنجارهای اجتماعی سوق می‌دهد و از سوی دیگر با احتمال کج رفتاری رابطه معکوس دارد (همان: ۵۲).

نظریه کنترل اجتماعی: در این نظریه دورکیم معتقد است که مجازات نقش مفیدی ندارد و فقط می‌تواند در موارد معدود، به طور مستقیم در تنبیه مقصر یا ارباب دیگران موثر واقع شود. به این دلیل، دورکیم می‌گوید که تأثیر مجازات همیشه مورد تردید بوده و اصولاً ناچیز به شمار می‌آید (ستوده، ۱۳۷۸: ۱۲۵).

دورکیم همچنین گفته است: به موازات گسترش بیشتر انواع وظایف و تخصصی‌تر شدن آن، باید شاهد این باشیم که تناسب دامنه دو نوع حقوق تنبیهی و ترمیمی معکوس شود (دورکیم، ۱۹۷۶: ۱۴۷).

فرضیه‌ها

با توجه به مباحث فوق در تحقیق حاضر فرضیه‌های زیر مطرح شده است:

۱- بین جرم اول با تکرار جرایم بعدی رابطه معنی داری وجود دارد.

- ۲- بین عوامل محیطی زندان (وضعیت طبقه‌بندی زندانیان، وضعیت محل اسکان و نگهداری زندانیان و نوع امکانات رفاهی و خدماتی زندان)، با تکرار جرم و بازگشت مجدد همبستگی وجود دارد.
- ۳- بین عوامل فردی زندانیان با تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان تفاوت معنی داری وجود دارد.
- ۴- بین میزان برجسب انحراف، با تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان رابطه مستقیم وجود دارد.
- ۵- بین میزان خدمات مرکز مراقبت بعد از خروج با تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان همبستگی وجود دارد.
- ۶- بین عدم جامعه پذیری زندانیان با تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان همبستگی وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی پیمایشی است و از نظر تأثیر متغیرها بر یکدیگر یک پژوهش علی (پس رویدادی) محسوب می شود. در این پژوهش بعد از کسب اطلاع از تعداد زندانیانی که بازگشت مجدد به زندان داشته‌اند، با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته با ۴۰ سوال باز و بسته، عوامل مؤثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان براساس ۲۵ سوال پژوهشی با طیف ۵ گزینه ای لیکرت بررسی شده است. روایی محتوا با استفاده از نظر متخصصان و صاحب نظران مورد تأیید قرار گرفت. برای سنجش اعتبار پرسشنامه در تحقیق مقدماتی تعداد ۵۰ نسخه از پرسشنامه مذکور را زندانیان مورد مطالعه تکمیل کردند. سپس ضریب آلفای کرونباخ هر طبقه از سوالات جداگانه محاسبه شد و اعتبار آن ۸۴٪ بود. این پرسشنامه پس از تأیید روایی و پایایی در جامعه مورد پژوهش توزیع شد.

جامعه آماری این تحقیق، کلیه زندانیانی هستند که در سال ۱۳۸۶ در زندانی‌های استان خراسان شمالی به سر می بردند و تعدادشان ۱۵۲۷ نفر بوده است. نمونه آماری شامل زندانیان سابقه داری بود که تا سال ۱۳۸۶ به زندان‌های استان بازگشته بودند و تعدادشان طبق آمار

اداره کل زندان‌ها ۶۰۰ نفر بوده است. همچنین در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده طبقه‌ای (روش انتساب سهم متناسب) استفاده شده است. حجم نمونه این تحقیق ۲۰۰ نفر بود که براساس فرمول تعیین حجم نمونه کوکران انتخاب شدند.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل از آمار توصیفی و آمار استنباطی و آزمون‌های، کایسکوئر (خی^۲)، ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون، و ضریب توافق پیرسون استفاده شده است. سطح معناداری و ضریب اطمینان و ضریب همبستگی با بهره‌گیری از نرم افزار SPSS و با ورژن ۱۱/۵ اندازه‌گیری شده است.

یافته‌ها

با استفاده از آزمون‌های آماری کایسکوئر، اسپیرمن و پیرسون در مورد سه فرضیه اول تحقیق، نتایج زیر به دست آمده است:
فرضیه اول: بین جرم اول با تکرار جرایم بعدی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول شماره ۱: نتایج آزمون آماری کایسکوئر- عامل، جرم اول

فرضیه	آزمون کایسکوئر	سطح معنی‌داری	درجه آزادی df	نتیجه	شدت رابطه
بین جرم اول با جرایم بعدی	Chi-square	۰/۰۰۰	۹	H ₁ تأیید	*۰/۸۷۶

براساس نتیجه به دست آمده با ۹۵٪ اطمینان، فرض صفر (H₀) رد و فرض پژوهشگر (H₁) تأیید شد. بنابراین می‌توان گفت که در زندان، فرد در اثر یادگیری و آشنایی با جرایم، برای ارتکاب جرم با تجربه‌تر می‌شود.

فرضیه دوم: بین عوامل محیطی زندان (وضعیت طبقه بندی زندانیان، محل اسکان و نگهداری زندانیان و نوع امکانات رفاهی و خدماتی زندان)، با تکرار جرم و بازگشت مجدد همبستگی وجود دارد.

جدول شماره ۲: نتایج آزمون آماری همبستگی اسپیرمن، عوامل محیطی زندان

تکرار جرم	ضریب همبستگی اسپیرمن r	سطح معنی داری $\text{Sig} < 0.05$
عوامل محیطی زندان		
وضعیت تفکیک و طبقه بندی زندانیان	-۰/۷۶۱	۰/۰۰۵
وضعیت اسکان زندانیان	-۰/۸۵۴	۰/۰۰۴
وضعیت امکانات رفاهی زندان	-۰/۸۷۳	۰/۰۰۰

براساس نتایج به دست آمده، با ۹۵٪ اطمینان، فرض صفر (HO) رد و فرض پژوهشگر (H1) تأیید شد. بنابراین می توان گفت. وضعیت طبقه بندی نامناسب زندانیان، وضعیت نامناسب اسکان، وضعیت نامناسب امکانات و خدمات رفاهی زندان در یادگیری و آشنایی با جرایم جدید در زندان و گرایش زندانیان به تکرار جرم تأثیرگذار است. همبستگی بین متغیرها معکوس (منفی) است.

فرضیه سوم: بین عوامل فردی زندانیان با تکرار جرم و بازگشت مجدد تفاوت معنی داری وجود دارد.

نتایج آماری تحقیق نشان می دهد، بین دو متغیر عوامل فردی (به لحاظ متغیرهای سن، جنسیت، تحصیلات، شغل، نوع مسکن و محل سکونت) با تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد به زندان رابطه وجود دارد. به عبارتی گرایش به تکرار جرم در سنین ۳۹-۱۹ بیشتر است. همچنین مردان و کسانی که سطح تحصیلاتشان کمتر از ابتدایی بوده، بیکار یا دارای شغل کارگری بوده اند، و کسانی که در حاشیه شهر در منزل استیجاری سکونت داشته اند، گرایش بیشتری به تکرار جرم داشته اند.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش سعی شد به شش سؤال اساسی مطرح شده پاسخ داده شود. یافته‌های مربوط به سؤال اول نشان داد که بین دو متغیر جرم اول و جرایم بعدی رابطه معنی داری وجود دارد، به عبارتی یادگیری و آشنایی با جرایم جدید در زندان فرد را در اجرای جرایم قبلی با تجربه می کند و بر شدت و تکرار جرایم بعدی تأثیرگذار است. زیرا یکی از مؤثرترین عوامل تأثیرگذار بر رفتار زندانیان، محیط اجتماعی زندان و خرده فرهنگ زندانیان است. خرده فرهنگ زندانیان

قواعد نانوشته‌ای است که خود را بر رفتار زندانیان تحمیل می‌کند و زندانیان به خصوص زندانیان جوان و افرادی که برای اولین بار وارد زندان می‌شوند آن را می‌آموزند. در نتیجه پس از آزادی آن را در جامعه تکرار می‌کنند.

یافته‌های حاصل از سوال دوم نشان داد که: بین دو متغیر مستقل و وابسته همبستگی وجود دارد، به عبارت دیگر هر چقدر وضعیت طبقه‌بندی، اسکان زندانیان و وضعیت خدمات‌دهی و امکانات رفاهی در زندان نامناسب تر باشد، احتمال تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد به زندان بیشتر خواهد بود. موضوع تفکیک زندانیان که هدف آن رایج نشدن بیشتر فرهنگ جرم در بین زندانیان است همیشه مورد توجه اغلب کشورها بوده است. چنانچه طبقه بندی بر مبنای اصول علمی انجام نگیرد جامعه پذیری مطابق با شاخص های علمی روی نخواهد داد، مثلاً اگر جوانی که از لحاظ سنی باید در کانون اصلاح و تربیت نگهداری شود به بندهایی که به لحاظ سنی و نوع جرم متناسب با او نیست فرستاده شود و جامعه‌پذیری مطابق با سن و موقعیت او، و امکانات لازم برای باز سازی وی وجود نداشته باشد، نهایتاً در داخل زندان به برخی از آسیب‌ها و انحرافات گرایش بیشتری پیدا خواهد کرد.

نتیجه این تحقیق همسو با یافته های تجربی و نظری عبدی (۱۳۸۱)، نجفی توانا و میلیکی (۱۳۸۶) و راهب (۱۳۸۶) است که معتقد بودند زندان و نارسایی های آن و همچنین عوامل حاکم بر محیط آن در تکرار جرم اثرگذار است. همچنین این نتیجه همسو با مطالعات ساترلند (۱۹۴۹)، کوهن و اوهلین (۱۹۵۴)، دورکیم (۱۹۷۶) و ایرلند (۲۰۰۲) است که معتقد بودند محیط های زندگی نامناسب از عوامل تأثیرگذار در پیدایش جرم است و افراد از طریق ارتباط با گروه هایی که حامل هنجارهای تبهکارانه هستند، رفتار تبهکارانه را فرا می‌گیرند. بنابراین محیط زندگی می‌تواند یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در تکرار جرم زندانیان باشد.

یافته های مربوط به سوال سوم نشان داد که: بین دو متغیر مستقل با متغیر وابسته همبستگی وجود دارد. به عبارتی هرچه در خارج از زندان، خانواده، دوستان و نهادهای رسمی و غیررسمی بیشتر به فرد برچسب انحراف بزنند، احتمال تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد به زندان بیشتر خواهد بود. زیرا برچسب زدن به طرد افراد از گروه های اجتماعی منجر و باعث می‌شود که از خانواده، دوستان، خویشاوندان و همسایگان بگریزد، شغلش را از دست بدهد و اینها سبب انحراف بیشتر می‌شوند، نهایتاً فرد به صورت سازمان یافته‌تری عمل می‌کند. نتیجه این تحقیق همسو با یافته های تجربی و نظری پاکیده و مهدوی (۱۳۸۷)؛ اسمعیلی (۱۳۸۴) و

نادیرا پیرسaud^۱ (۲۰۰۰)، است که نشان می دهند برچسب زنی در تکرار جرم و بازگشت به زندان بسیار اثرگذار است. همچنین این نتیجه همسو با مطالعات لمرت (۱۹۵۷) و بکر (۱۹۷۳) است که معتقد بودند کج رفتاری را نمی توان به رفتار ویژه ای که رخ داده است نسبت داد، بلکه نتیجه اعمال قوانین و مجازاتهای مربوط در مورد فرد یا افرادی است که آن رفتار را انجام داده اند. کج رفتار کسی است که این انگ به طور موفقیت آمیزی در مورد او به کار رفته، و کج رفتاری عملی است که دیگران آن را این گونه تعریف کرده اند. در نتیجه برچسب زنی انحراف یکی از مهم ترین عامل تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد آزاد شده به زندان است.

یافته های مربوط به سوال چهار نشان داد که بین دو متغیر مستقل با متغیر وابسته همبستگی وجود دارد. به عبارت دیگر هرچقدر میزان خدمات دهی مرکز مراقبت بعد از خروج از لحاظ خدمات مددکاری اجتماعی، مشاوره و اعطای تسهیلات بانکی برای ایجاد اشتغال کمتر باشد، تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد به زندان بیشتر خواهد بود. زیرا این مراکز می توانند نقش بسیار مهم و ارزنده ای در سرنوشت فرد بزهکار بعد از آزادی از زندان داشته باشند. بنابراین یکی از نقش های بسیار مهم این مرکز، پیشگیری از بزه مجدد و پیشگیری از بازگشت مجدد به زندان است. نتیجه این تحقیق همسو با یافته های تجربی و نظری اسداللهی و ولیزاده (۱۳۸۶) و هینس^۲ (۱۹۹۰) است که معتقد بودند هرچه افراد پس از آزادی کمتر مورد حمایت و مراقبت قرار گیرند، بیشتر مرتکب جرم می شوند. همچنین این نتیجه با مطالعات، هیرشی (۱۹۶۹) و دورکیم (۱۹۷۶) هم خوانی دارد که معتقد بودند، ضعف مراقبت و کنترل اجتماعی، در عدم تعادل زندگی و انتظام اجتماعی تأثیر دارد و همنوایی با اعضای جامعه و جامعه پذیری افراد آزاد شده از زندان می تواند به جلوگیری از انحرافات و کج رویهای آنان کمک کند. همچنین آنها انحراف را نتیجه نارسائی کنترل اجتماعی می دانند. در نتیجه، ناکافی بودن اقدامات مراکز مراقبت بعد از خروج در گرایش افراد آزاد شده به انحرافات اجتماعی و تکرار جرم تأثیر گذار است.

یافته های مربوط به فرضیه پنج نشان داد که بین دو متغیر مستقل با متغیر وابسته همبستگی معکوس (منفی) وجود دارد، به عبارتی زندان موجب طرد اجتماعی زندانی می شود، به طوری که درصد قابل توجهی از خانواده ها، اقوام، دوستان و هم محله ای ها به مجرم آزاد شده

1. Persaud, Nadira

2. Haines

بی‌اعتنایی می‌کنند و هیچ تمایلی به معاشرت با وی نشان نمی‌دهند. این امر سبب می‌شود که حس انتقام و کینه جای عبرت و عاطفه را در دل زندانی آزاد شده بگیرد. و هر چه این فرد بیشتر از جامعه و اطرافیان فاصله گیرد و از نظارت و کنترل اجتماعی دور شود باز به ارتکاب اعمال مجرمانه بازمی‌گردد. بنابراین هر چه پذیرش خانواده و جامعه کمتر باشد، و این افراد مورد بی‌توجهی بیشتری قرار گیرند، احتمال تکرار جرم و بازگشت مجددشان به زندان بیشتر خواهد بود. نتیجه این تحقیق با یافته‌های تجربی و نظری عبدی (۱۳۸۱)، پاکیده و مهدوی (۱۳۸۷) و اوهلین ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۵ هم خوانی دارد که معتقد بودند هرچه افراد پس از آزادی بیشتر مورد بی‌توجهی خانواده، جامعه و سایر نهادهای رسمی و غیررسمی قرار گیرند و کمتر کنترل شوند، بیشتر احتمال دارد مرتکب جرم مجدد شوند و به زندان باز گردند. همچنین این نتیجه با مطالعات پارسونز (۱۹۴۹)، بلومر (۱۹۵۱)، اوهلین (۱۹۵۴)، مرتن (۱۹۶۸)، هیرشی (۱۹۶۹) دورکیم (۱۹۷۶) همسوست که معتقد بودند کجروی ناشی از همبستگی ناقص میان حرکت اجتماعی جامعه و حرکت فردی انسان‌های سازنده جامعه است و زندان و زندانی شدن عاملی است که فرد را از حرکت اجتماعی باز می‌دارد. شکاف میان رشد و تغییرات بهینه جامعه و فرد زندانی عاملی است که بازدارنده حرکت و تغییر مثبت در فرد می‌شود، به گونه‌ای که زندانی پس از آزادی با روند تغییرات جامعه بیگانه است و به مهارت‌های لازم برای کار و پیشرفت اجتماعی مجهز نیست، در نتیجه مرتکب جرم می‌شود.

یافته‌های مربوط به فرضیه شش نشان داد که بین دو متغیر عوامل فردی (با لحاظ کردن متغیرهای، سن، جنسیت، تحصیلات، شغل، نوع مسکن، محل سکونت) با تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد به زندان رابطه وجود دارد. به عبارتی افرادی که در سنین ۱۹-۳۹ بودند گرایش بیشتری به تکرار جرم داشتند. همچنین مردان و کسانی که سطح تحصیلاتشان کمتر از ابتدایی بوده است، بیکاران و کارگران، کسانی که در حاشیه شهر در منازل استیجاری سکونت داشته‌اند گرایش بیشتری به تکرار جرم نشان داده‌اند. در نتیجه یکی از عواملی که در گرایش افراد به تکرار جرم تأثیر گذار است، عوامل فردی است. نتیجه این تحقیق همسو با یافته‌های تجربی و نظری پاکیده و مهدوی (۱۳۸۷)، عبدی (۱۳۸۱) و تحقیق کمبریج ۱۹۶۲ است که همگی مبین تأثیر عوامل فردی در گرایش به تکرار جرم هستند.

بنابراین، براساس نتایج این پژوهش می‌توان برای پیشگیری و کاهش تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد آزاد شده به زندان اقداماتی از این قبیل انجام داد: اجرای اصولی و استاندارد تفکیک

و طبقه بندی زندانیان در زندانها، بهبود وضعیت اسکان و نگهداری، خدمات دهی موثر به زندانیان، حذف برچسب رسمی و غیر رسمی از زندانیان آزاد شده، ارائه خدمات موثر و کنترل از طریق مرکز مراقبت بعد از خروج، پذیرش زندانیان آزاد شده در میان خانواده، دوستان و نهادهای رسمی و غیررسمی و جلوگیری از طرد آنان.

منابع فارسی

- اسمعیلی، ع. (۱۳۸۴). بررسی رابطه برچسب کجرو و تحریم اجتماعی با تکرار جرم در بین جوانان مقیم زندان تبریز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- احمدی، ح. (۱۳۷۷). نظریه های انحرافات اجتماعی. چاپ اول. شیراز: انتشارات رز.
- آشوری، م. (۱۳۸۲). جایگزین های زندان یا مجازاتی بینابین. تهران: نشر گرایش، چاپ اول.
- آیین نامه اجرایی سازمان زندانهای کشور مصوب ۱۳۸۴/۷/۲۰. (۱۳۸۶). تهران: انتشارات راه تربیت، چاپ دوم.
- حاتمی خواجه، ن. (۱۳۸۶). جامعه پذیری زندانیان. مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی کاهش استفاده از مجازات زندان، تهران، انتشارات راه تربیت.
- راهب، غ. (۱۳۸۶). اثرات منفی روانی - اجتماعی زندان و زندانی شدن بر زندانیان. مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی کاهش استفاده از مجازات زندان، تهران، انتشارات راه تربیت.
- ریترز، ج. (۱۳۸۵). نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن تلائی، تهران، انتشارات علمی، چاپ یازدهم.
- ستوده انواری، ه. (۱۳۷۸). آسیب شناسی اجتماعی. تهران، انتشارات آوای نور، چاپ اول.
- شیخوندی، د. (۱۳۸۳). آسیب شناسی جامعه و جامعه شناسی انحراف. تهران، انتشارات نشر و پخش، چاپ اول.
- شمس، ع. (۱۳۸۳). مقدمه ای بر جامعه شناسی زندان. تهران، انتشارات راه تربیت، چاپ اول.
- صدیق سروسستانی، ر. (۱۳۸۷). آسیب شناسی انحرافات اجتماعی. تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم.

- عبدی، ع. (۱۳۸۱). مجازات زندان و ارتکاب مجدد جرم، مجله انجمن جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۲، تهران، انتشارات انجمن جامعه شناسی.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۶). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۶.
- ماهنامه اصلاح و تربیت، سازمان زندان ها، (۱۳۸۷). تهران، انتشارات مرکز توسعه خدمات آموزش و پرورش بنگاه تعاون و صنایع زندانیان، سال ششم، شماره ۷۴.
- مهدوی، ر؛ پاکیده، ف. (۱۳۸۷). بررسی علل و عوامل خانوادگی و اجتماعی در بازگشت مجدد به زندان، ماهنامه اصلاح و تربیت سازمان زندانها، شماره ۸۲.
- نجفی توانا، ع؛ میلکی، ا. (۱۳۸۶). بومی سازی جایگزین ها و راهکارهای کاهش جمعیت کیفری. مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی کاهش استفاده از مجازات زندان، تهران، انتشارات راه تربیت.

منابع انگلیسی

- Becker, H. (1973). Outsider studies in the sociology of Deviance. New York; free press.
- Drukheim, E. (1976). Moraleducatin: A study in the Theory and Application of the sociology of Education. New York, free press.
- Giddens, A. (1976). New Rules of sociological Method. London: Hutchinson.
- Lemert, E. M. (1956). Social pathology. New York: McGraw- Hill.
- Persaud, Nadira- labeling: its effects on labled student- source internet (2000).
- Sutherland, E. H. (1949). Principles of criminology. (Chicago: Lippincott).